

اعلامیه کمیته نهضت مقاومت ملی خوزستان بمناسبت ۲۹ خرداد

راه مصدق راه ملت است

۲۹ خرداد روز افتخار ایران

هموطن خوزستانی!

.... امروز درخشانترین روز تاریخ خوزستان است. در این روز بدستور **مصدق بزرگ** اجرای خلع ید عملاً آغاز گردید. هیئت مامور اجرای خلع ید بسرپرستی **مهندس بازرگان** و **امیر علائی شجاعانه** و مدبرانه ماموریت خود را آغاز کردند. اهواز ما افتخار استقبال این فرزندان خلف وطن را داشت، نقشه کار آماده گردید و هیئت روانه آبادان و خرمشهر شد. مردم خرمشهر پس از پنجاه سال زجر کشیدن و تازیانه استعمار خوردن با چشم خود دیدند که یک پاسبان ساده ایرانی از ورود مستر دریک به اداره مرکزی شرکت نفت جلوگیری کرد. پرچم سه رنگ بر فراز ساختمان اداره مرکزی خرمشهر باهتزاز درآمد. سرداران خلع ید صریحاً برای مستر دریک، فرمانروای مطلق خوزستان آنروز تعیین وظیفه کردند. اولین مرحله خلع ید با موفقیت کامل انجام گرفت... ما این روز پر افتخار را ب مردم محروم خوزستان و ایرانیان شرافتمند تبریک میگوئیم، ما درود بی پایان خود را به پیشگاه **مصدق بزرگ** و سر بازان وفادارش، **مهندس بازرگان** و **امیر علائی** عرضه میداریم، **مهندس بازرگان**ی که آنروز مستر دریک شاه بی تخت و تاج خوزستان را بزانو درآورد امروز در زندان زجر میکشد و بجرم قیام در راه آمال ملی در زیر زنجیر عمال مستر دریک ها شکنجه می بیند و انتقام وطن پرستی خود را پس میدهد. آری **دکتر مصدق ها**، **معظمی ها**، **شایگان ها**، **رضوی ها**، **بازرگان ها**، **امیر علائی ها**، و و این رادمردان تاریخ ایران و مبارزین سرسخت امروز بدستور بیگانگان برای عبرت سایر میهن پرستان، یا در گوشه زندانها افتاده و یا آواره بیابانها شده اند؛ آنوقت شاه، شاه دلسوز رعیت! پس از بازگشت از مسافرت! ۲۸ مرداد و سایر مسافرتها!... در حالیکه در باغ مصفای کاخ سعدآباد،

نمایندگان! ملت را! نمایندگان! چون مشایخی، شوشتری، عبد صاحب صفائی معلوم الحال را پذیرائی میکند عباراتی از قبیل «مصدقیها از توده ایها خطرناکتراند» «امیدوارم که دیگر دست خارجی برای ما مصدق نترشد»، «تازگی میشنوم که نشریاتی هست که راه فلان... و نهضت... مقاومت... درست است که اینگونه نشریات اغلب چیزهای مضحکی است و مندرجات آنها هم بسیار بچگانه است لیکن...» ایراد میکند. آنوقت در جواب کلام الملوک که البته ملوک الکلام است قره نوکرهای معلوم الحالی چون شوشتری پیشنهاد مجازات دار میکند و آن دیگری قدری دلش رحم! آمده نظر به میدهد که با تبلیغات و عمل! جلو نشریات نهضت را بگیرند.

ما نمیخواهیم در این اعلامیه راجع به کلام الملوک بحثی بکنیم، ماهیت این کلام و منبع این گفتارها را امروز هر طفل دبستانی که شیر ایرانی خورده باشد بخوبی میداند و میشناسد. ولی ما از اینها آنکه از بزبان آوردن نام مصدق هراس دارند و بجای «راه مصدق» - «راه فلان» میگویند و نشریات نهضت مقاومت ملی ایران را مضحک و مندرجات آنرا بچگانه میدانند میپرسیم که چرا از این نشریات مضحک! تا این درجه واهمه دارند؟ و بچه دلیل از انتشار این حرفهای بچگانه! با سعیت و وحشیگری جلوگیری میکنند؟ مگر دکتر مصدق نبود که شدیدترین نطق مخالفین خود را از رادیو پخش میکرد و حتی در روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد، که بقول شما خیال تغییر رژیم داشت، اجازه انتشار روزنامه هائی نظیر شاهد را میداد و از انتشار گراور فرمان غیرقانونی نخست وزیر زاهدی جلوگیری نمیکرد! بله مخالفین را آزاد گذاردن و قضاوت را بملت محول کردن، آزادمشی، جرأت، درستی و اتکاء بنفس میخواهد که متأسفانه یا خوشبختانه آلهای بدون اراده استعمار فاقد همه این صفات هستند. آری باید جلو نشریات نهضت مقاومت ملی را گرفت، باید ملیون و وطن پرستان را زنجیر کشید و بنقاط بد آب و هوا تبعید کرد، باید این مصدقیهای خطرناکتر از توده ایها را بدار کشیده آری مصدقیها از توده ایها خطرناکترند، زیرا باینها نمیشود اتهامی وارد ساخت، اینها را نمیشود بسیاستهای خارجی چسبانید، اینها کسانی هستند که جز ایران بهیچ چیز فکر نمیکنند، اینها سر بازان از جان گذشته ای هستند که توافق سیاست های خارجی قادرینا بود کردن آنها نیست. این دشمنان آشنی ناپذیر استعمار و بیگانه پرستی و

این فدائیان صف نهضت مقاومت ملی خطرناکترین دشمن عاملین سیاست خارجی هستند. اینها همه جا ریشه دارند. اینها در همه جا؛ در گوشه و کنار خیابانها، بدنبال گاوآهن‌ها، در میان لباس افسران شرافتمند و سربازان وطن‌پرست، کنار ماشینهای صنعتی، پشت ترازوی دکانها، پشت میز کار دکتراها، در سراسر دستگاه‌های دولتی، کنار طشت لباسشویی، در میان حجره‌بازرگانان، در صفوف فشرده محصلین و خلاصه همه جا، همه جا هائیکه مغزهای متفکر و بازوان زحمتکش ملیون ایران مشغول فعالیت است... کار میکنند و با برنامه منظم و دقیقی در جهت راه مصدق بدون انحراف و بغرض مردانه پیش میروند. اینها از فدائی دادن، کشته شدن و زندان رفتن باکی ندارند. اینها عزیزانی چون دکتر مصدق بزرگان استعمار تحویل داده و میدهند. اینها جگرگوشه‌ی ارجمندی چون کشته‌شدگان دانشگاه بسینه خاک سپرده و میسپرنند، اینها، این مصدقیها که سالهاست در گرمای سوزان خوزستان با تمام محرومیتها، با کمال گشاده‌روئی انجام وظیفه میکنند، تا رسیدن به هدف مقدس خود از مبارزه نخواهند ایستاد، اینها طالب افتخار و عظمت ایرانند و در راه سر بلندی و تأمین زندگی شرافتمندانه برای میلیونها مردم استعمار زده حاضر بهمه گونه فداکاری و جانفشانی بوده و سرانجام انتقام خود را از عمال بیگانه و سرسپردگان استعمار که استقلال میهن خود را با دلار و لیره در معرض خرید و فروش گذارده‌اند، خواهند گرفت و بدستور پیشوای محبوب خود، «در راه پرافتخاری که در پیش دارند از هیچ حادثه‌ای هراس نخواهند داشت.»

بانتظار تجدید صحنه بیست و نهم خرداد.

نهضت مقاومت ملی

کمیته خوزستان

خرداد/۱۳۳۳